

رسالة محمد



دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان  
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

تحلیل اندیشه‌های ضد فئودالی در شعر مشروطه با تکیه بر اشعار  
اشرف‌الدین حسینی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی

استاد راهنما  
دکتر حمید جعفری قریه‌علی

استاد مشاور  
دکتر محسن پورمختار

دانشجو  
علی تیموری

بهمن ماه ۱۳۹۲

تمامی حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های  
حاصل از پژوهش موضوع این پایان نامه، متعلق به دانشگاه  
ولی عصر (عج) رفسنجان است.

پیشکش بہ محضراستاد «محمد رضا شفیع کدکنی»

آفتاب پرفروغ فرہنگ ایرانی

تنہا نہ آفتاب نشاہور و کدکنی

در این شبان تیرہ چراغان مہینی

دہ قرن شوق و ذوق و ہنرد تو نختہ است

تو سوین ہزارہی این باغ و گلشنی

## سپاس

سپاس پروردگاری را که هر نهانی داند و وجود هر موجودی نشانه ی ظهور و راهنمای بروز اوست. دیده ی تیزبین نمی تواند او را مشاهده کند. آن که دیده اش او را ندیده انکار وجودش نکند، و آن که قلبش به وجود او معترف است ، به کنه ذاتش نتواند رسید، و درود بر مهین سرور فرستادگان محمد مصطفی (ص) و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است. سپاس بیکران برهمدلی و همراهی و همگامی پدر و مادر دلسوز و مهربانم که سجده ایثارشان گل محبت را در وجودم پروراند و دامن گهربارشان لحظه های مهربانی را به من آموخت.

سپاس و تشکر شایسته از استاد راهنمای فرهیخته و فرزانه جناب آقای دکتر **حمید جعفری قریه علی**، که با نکته های دلاویز و گفته های بلند، صحیفه های سخن را علم پرور نمود و همواره راهنما و راه گشای نگارنده در اتمام و اکمال پایان نامه بوده است.

بسی شایسته است از استاد مشاور دانشمند جناب آقای دکتر **محسن پور مختار** که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی های کارساز و سازنده بارور ساختند، تشکر نمایم.

سپاس از سرکار خانم دکتر **نرگس باقری**، به دلیل یاری ها و راهنمایی های بی چشمداشت ایشان که بسیاری از سختی ها را برایم آسان تر نمودند.

معلما مقامت زعرش برتر باد همیشه توسن اندیشه ات مظفر باد

کمال سپاس و تشکر به حضور تمامی اعضای گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان و کتابداران محترم کتابخانه وزیری یزد و کتابخانه مرکزی دانشگاه ولی عصر (عج) و عزیزانی که همیشه سپاس گزار لطفشان خواهم بود.

### چکیده:

موضوعات اجتماعی و سیاسی از دیرباز مورد توجه شعرای ادب فارسی بوده است. در عصر مشروطه با توجه به تحولاتی که در جامعه شکل گرفت، زمینه برای شکل گیری انقلاب ادبی فراهم گردید. از میان شعرای این دوره اشرف الدین حسینی (نسیم شمال)، عارف قزوینی و میرزاده عشقی با پرداختن به نیازهای روز جامعه، ایستادگی در برابر استبداد، حمایت از طبقات فرودست جامعه به گونه ای در برانگیختن مردم برای مقاومت در برابر استبداد و استعمار موثر بودند. این پژوهش به شیوه ی توصیفی - تحلیلی به انتقادهای اجتماعی و مبارزه سیاسی شعرای یاد شده می پردازد. بر اساس نتایج این پژوهش از بین شعرای مذکور سیداشرف الدین حسینی به لحاظ صراحت لهجه نسبت به دو شاعر دیگر ممتاز است و خواسته های به حق مردم را در دوره مشروطه بازتاب داده است. و به ویژه با تکیه بر اعتقادات مذهبی و توصیف طبقات محروم جامعه به بیان دردهای اجتماعی پرداخته است.

**کلید واژه ها:** ادبیات مشروطه، شعر مشروطه، فتووالیسیم، اشرف الدین حسینی، نسیم شمال، عارف قزوینی، میرزاده عشقی

**فصل اول: مبادی تحقیق**

- ۱-۱- طرح مسئله و اهمیت پژوهش..... ۱
- ۲-۱- هدف‌های پژوهش..... ۳
- ۳-۱- پرسش‌های پژوهش..... ۳
- ۴-۱- پیشینه‌ی پژوهش..... ۴
- ۵-۱- روش پژوهش..... ۴

**فصل دوم: شرح احوال سیداشرف‌الدین حسینی، عارف قزوینی و ...**

- ۱-۲- شرح احوال سیداشرف‌الدین حسینی..... ۵
- ۲-۱-۱- آثار و تألیفات اشرف‌الدین حسینی..... ۷
- ۲-۱-۲- ویژگی اشعار اشرف‌الدین حسینی..... ۸
- ۲-۲- شرح احوال و ویژگی‌های شعر عارف قزوینی..... ۱۰
- ۳-۲- شرح احوال میرزاده‌ی عشقی..... ۱۳
- ۲-۳-۱- آثار میرزاده‌ی عشقی..... ۱۴

**فصل سوم: فئودالیسم و زمینه‌های آن**

- ۱-۳- فئودالیسم و تعریف آن..... ۱۹
- ۲-۳- پیدایش و ظهور فئودالیسم..... ۲۰
- ۳-۳- ویژگی‌های فئودالیسم..... ۲۰
- ۴-۳- ریشه‌های فئودالیسم در ایران باستان..... ۲۱
- ۵-۳- فئودالیسم، مردم و حکومت..... ۲۳
- ۳-۵-۱- قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی..... ۲۴
- ۳-۶- جنبش‌های ضدفئودالی ایران در عصر مشروطه..... ۲۵
- ۳-۷- مضامین فئودالیسم در شعر..... ۲۶
- ۳-۷-۱- تملق و چاپلوسی در شعر فارسی..... ۲۷

صفحه	عنوان
۳۰	۳-۷-۲-دیگر مضامین فتودالیسم در شعر.....
۳۱	۴-۱-انقلاب مشروطه.....
۳۲	۴-۱-۱-دگرگونی در نهادهای اجتماعی.....
۳۳	۴-۲-تأثیر انقلاب مشروطیت بر ادبیات.....
۳۴	۴-۲-۱-احیای قالب‌های مهجور شعری.....
۳۵	۴-۲-۲-تحول در مضامین و محتوا.....
۳۶	۴-۳-شعر مشروطه.....
۴۰	۴-۳-۱-مذهب و شعر مذهبی.....
۴۱	۴-۳-۲-ویژگی‌های موضوعی شعر مشروطه.....
۴۲	۴-۳-۳-انواع ادبی در عصر مشروطیت.....
۴۵	۵-۱-اندیشه‌های ضدفتودالی در شعر مشروطه.....
۴۶	۵-۲-ستیز با جهان‌خوارگان.....
۴۶	۵-۳-شکایت از بیدادگری.....
۴۷	۵-۳-۱-شکایت از امیران، حاکمان و وکیلان.....
۴۹	۵-۳-۲-شکایت از ظلم و بیداد.....
۵۷	۵-۳-۳-شکایت از اوضاع اداری جامعه و فساد.....
۶۰	۵-۴-مبارزه با احساس حقارت و اسارت.....
۶۴	۵-۵-فقر و تضاد طبقاتی.....
۶۸	۵-۶-ارتباط رعیت و مالک.....
۷۲	۵-۶-۱-مبارزه رعیت و مالک و ایستادگی در برابر ظلم مالکان.....
۷۷	۵-۶-۲-اجتماع و انقلاب.....
۷۹	۵-۷-ادبیات کارگری.....
۷۹	۵-۷-۱-باورهای عمیق دینی محرکی مهم در خلق ادبیات کارگری.....
۸۰	۵-۷-۲-ادبیات کارگری در بطن تفکرات میهن‌پرستانه و ناسیونالیسم ایرانی....



ت

صفحه

عنوان

فصل ششم: بحث و نتیجه گیری

۱-۶- بحث و نتیجه گیری ..... ۸۵

منابع و مأخذ ..... ۹۵

## فهرست نمودارها

صفحه

عنوان

نمودار ۶-۱-۱- میزان فراوانی موضوعات در شعر اشرف‌الدین حسینی.....	۸۹
نمودار ۶-۱-۲- میزان فراوانی موضوعات در شعر عارف قزوینی.....	۹۰
نمودار ۶-۱-۳- میزان فراوانی موضوعات در شعر میرزاده عشقی.....	۹۱
نمودار ۶-۱-۴- میزان کاربرد اندیشه‌های ضدفئودالی در شعر اشرف‌الدین.....	۹۲
نمودار ۶-۱-۵- میزان کاربرد اندیشه‌های ضدفئودالی در شعر عارف قزوینی.....	۹۳
نمودار ۶-۱-۶- میزان کاربرد اندیشه‌های ضدفئودالی در شعر میرزاده عشقی.....	۹۴

## فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۸۹	جدول ۶-۱-۱- میزان کاربرد موضوعات در شعر اشرف‌الدین.....
۹۰	جدول ۶-۱-۲- میزان کاربرد موضوعات در شعر عارف قزوینی.....
۹۱	جدول ۶-۱-۳- میزان کاربرد موضوعات در شعر میرزاده عشقی.....

## مقدمه:

ما قصه‌ها را گرد آوردیم و همت و معرفت ما بیشتر از این میدانی نداشت. یکی از ارکان اساسی فرهنگ و تمدن هر قوم ادبیات آن ملت است. ادبیات فارسی نیز نمودار اوضاع و احوال جامعه ایرانی در شرایط حساس تاریخی است. اقوام ایرانی در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود در معرض رویدادهای گوناگون تاریخی قرار گرفته‌اند که در برابر همه‌ی آن‌ها از سلاح ادبیات استفاده کرده‌اند. شاعران و نویسندگان سهم عظیمی در تنویر افکار عمومی و تحریک احساسات مردم بر عهده داشته‌اند. بنابراین ادبیات فارسی نه تنها نمایانگر آرا و اندیشه‌های ملت ایران است، بلکه وسیله‌ی بقای آنان در برابر پیشامدهای سخت تاریخی نیز هست. نقش و تاثیر اندیشه‌ها و آرا متفکران جامعه در سرعت بخشیدن روند تحولات جامعه غیر قابل انکار است. دریافت خواسته‌ها و نیازهای زمانه از شرایط حساس تاریخی و انعکاس آنها همیشه سرچشمه حرکت و خیزش اجتماعی بوده است. آثار فکری بعضی شخصیت‌ها و شعرا در طول تاریخ باعث دگرگونی‌هایی در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه شده است. این پژوهش هیچ داعیه‌ای ندارد نه یک اثر تحقیقی سترگ است و نه یک پژوهش جامع، نه هیچ راز نامکشوفی را گشوده است. و نه هیچ زاویه تاریخی از ادبیات را روشن کرده است. فقط و فقط فتح بابی است برای پژوهش‌های ادبی و تحقیقی مفیدتر.

در این پژوهش کوشش شده است اندیشه‌های ضد فئودالی در شعر مشروطه با تکیه بر اشعار سید اشرف الدین حسینی عارف قزوینی و میرزاده عشقی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. پژوهش مذکور در ۶ فصل به نگارش درآمده است که در فصل اول بنا به شیوه‌ی معمول به تعریف موضوع، اهداف پژوهش، بررسی پیشینه مطالعاتی و در نهایت روش تحقیق این پژوهش پرداخته شده است. فصل دوم شامل شرح حال اشرف الدین، عارف قزوینی و میرزاده عشقی و بررسی ویژگی اشعارشان است. در فصل سوم، فئودالیسم و مضامین آن مورد بررسی قرار گرفته است. فصل چهارم به بررسی تاثیر انقلاب مشروطه و ویژگی‌های شعری دوره مشروطه اختصاص دارد. در فصل پنجم اندیشه‌های ضد فئودالی در شعر شعرای یادشده بررسی می‌شود. در فصل ششم و پایانی نیز با توجه به پرسش‌های تحقیق و در راستای اهداف مطالعاتی، نتیجه‌گیری از این پژوهش آمده است. در نگارش متن قلمی ساده و سلیس به کار رفته است.

لازم به یادآوری است که در تهیه و تنظیم مطالب و ذکر ماخذ اعمال دقت شده است. در عین حال اگر سهوی مشاهده شد امید بخشایش است. امیدوارم که خوانندگان محترم اغماض نکنند و نگارنده را از موارد لغزش آگاه فرمایند که تذکر مومنان را سود دارد و افزون بر آن موجب امتنان خواهد شد.

## فصل اول

### کلیات پژوهش

#### ۱-۱. طرح مسئله و اهمیت پژوهش

فئودالیسم سازمان بزرگ اجتماعی- اقتصادی و سیاسی است که در نتیجه تلاش جامعه برده داری و با ویژگی های مشخص خود در هر کشور تقریباً در کلیه سرزمین های جهان در قرون وسطی، قبل از ظهور و تشکیل دولت های ملی جدید به وجود آمد. خصائص عمده ی فئودالیسم عبارت بود از اینکه هر قسمت بزرگ از اراضی کشور به نام املاک در تصرف یکی از اشراف به نام فئودال بود که از طرف شاه به آنها واگذار می شد و اشراف نیز آنها را اجاره می دادند در شکل کلاسیک خود عوامل این دوران در بطن جامعه برده داری به صورت «کولون» بروز نمود. کولون ها عبارت بودند از بردگان آزاد شده یا زحمتکشان آزاد، یعنی غیر برده که قطعات کوچک زمین را با شرایط معینی می گرفتند و موظف بودند که زمین ارباب ( مالک بزرگ زمین) را زراعت کنند و سهم بزرگی از محصول را به صورت جنس یا نقد به مالک تسلیم کنند و مقرری های دیگری به شکل بیگاری و مالیات تادیه نمایند.

با مرور زمان اختلاف بین بردگان آزاد شده کولون ها و دهقانان آزاد از بین رفت و همه به توده وسیع و یک دست رعیت که در غرب «سرف»<sup>۱</sup> نامیده می شوند بدل شدند. در صورت بندی اجتماعی- اقتصادی فئودالیسم طبقات اساسی عبارتند از : دهقانان رعیت ( بهره دهان) و مالکان فئودال (بهره کشان) در جوامع شرق باستان بنا به تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته است تقسیم

---

<sup>۱</sup> - Serf

اساسی افراد جامعه به آزاد و برده صورت نگرفته، بلکه تقسیم جامعه به دو گروه فقیر و غنی روی داده است.

اصطلاح فئودالیسم ابتدا ناظر به وضع سیاسی جهان بود. اما امروزه در فرهنگ و ادبیات نیز به کار می‌رود. بسیار اتفاق می‌افتد که نیک محضری، ادب و حاضرخدمتی ایرانی، منتهی به تمکین توأم با فرومایگی، خوش خدمتی و مزدوری می‌گردد، قصاید و به طور کلی مدیحه سرایی نشانه‌ی بارزی از این معنی است. مسلم است که فئودالیسم هزار ساله و استبداد و بیدادگری، ناگزیر در روحیه و خصائص ایرانی اثری به جای گذاشته است. مناسبات عشاق نیز اعم از اینکه عشق واقعی یا مجازی باشد جز این نبود و غالباً منتهی به ابراز منتها درجه‌ی خاکساری عاشق می‌شد. در دوران استبداد صفویه زیر دست نسبت به زبردست به منزله سگ در برابر صاحبش بود. بی شک مواعظ مستمر شاعران متصوف مبنی بر اعتراض از جهان نیز جز طنین احساسات بردگی نبود، ولی جوانه‌ای واقعی که از درخت فئودالیسم برخاست و سخت بارور شد، حسادت بود که به وضع ناهنجاری در میان شاعران درباری حکم فرما بود. شکوه‌های مداوم و جان کاه همه‌ی مدیحه سرایان بنام، گواهی بر این معنی است؛ زیرا ناکسانی که به مرحله‌ی کمال نرسیده بودند، زندگی آنها را زهر آگین می‌ساختند.

ایران بعد از اسلام نظام فئودالی داشت و تا دوره‌های اخیر بدین صورت باقی مانده و در سازمان‌هایش تغییر اساسی روی نداده بود، اشراف قدیمی ایرانی در برابر فشار تهاجمات مکرر و ضعف دولت‌ها موقعیت انحصاری خود را به ناچار از دست می‌دهند و مهاجمان بیگانه یا تازه به دوران رسیده‌های بومی جای آنها را می‌گیرند و بدین ترتیب روی هم رفته فئودالیسم کهن به سیمای دیگری برقرار می‌ماند. هر چند که صورت ظاهر کمابیش تغییر می‌کند و بدین ترتیب جای شگفتی نیست که حتی طی قرون متمادی در شعر کلاسیک و به طور کلی ادبیات، دگرگونی‌های قابل‌ذکری رخ نمی‌دهد، تنها تغییر حاصل موج‌گرایی به تازی است که ادبیات را فرا می‌گیرد؛ به اوج خود می‌رسد و دوباره فرو می‌نشیند. البته ماهیت زبان همان می‌ماند که بود. در مضامین نیز تغییر محسوس حاصل نمی‌شود و سنت فرمانروای عرصه است. تغییر سلسله‌های پادشاهی به اوضاع بهبودی نمی‌بخشد. جنبش‌های زیردستان به نحو موثری صورت نمی‌گیرد و یا دوامی ندارد و ادبیات هم از لحاظ موضوع و هم از لحاظ شیوه‌های بیان، آینه‌ی تحولات بنیاد اقتصادی و نظام زندگی که تابع آن است می‌باشد ابتکارات جدید کوچکترین موفقیتی ندارد. از دیگر مضمون‌های فئودالیسم در شعر می‌توان به تملق‌گویی، شعردرباری و تعریف از قدرت و ثروت اشاره کرد.

فئودالیسم شعری در دوحوزه‌ی (۱) مبارزه و ایستادگی در برابر قدرت‌ها و به ویژه تلاش برای مبارزه با اختلاف طبقاتی و گسترش به اصطلاح خرده مالکان در جامعه، (۲) مبارزه با تملق‌گویی از حکام و پرهیز از تمکین در برابر خواسته‌های نامعقول طبقه حاکم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

انقلاب مشروطه در ایران رویداد بزرگی بود که برای دگرگون کردن اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی شکل گرفت و در عرصه های فرهنگی و ادبی نیز تاثیر چشمگیری داشت. بسیاری از شعرای عصر مشروطه با طرح موضوعاتی از قبیل مبارزه با استبداد، دفاع از آزادی، ایستادگی در برابر فزون خواهی خودکامگان و مبارزه با استعمار شرق و غرب، راهی نو در ادبیات فارسی پیش گرفتند. در این پژوهش با تکیه بر اشعار اشرف الدین حسینی، عارف قزوینی و میرزاده ی عشقی، چگونگی موضع گیری و تقابل شعر مشروطه با اندیشه های فئودالی بررسی می گردد. عمده ترین موضوعاتی که در این پژوهش به آنها پرداخته می شود، عبارتند از:

(الف) مبارزه رعیت با مالک

(ب) بی اعتنایی نسبت به قدرت و ثروت مالکان

(ج) نکوهش تملق گوئی

(د) ایستادگی در برابر حاکمان مستبد

(ه) مبارزه با احساس حقارت و اسارت

شعرای مورد بحث اندیشه های ضد فئودالی خود را به شیوه های زیر بیان کرده اند:

جگری نیست که خونین ز غم دهقان نیست      علت آن است که انصاف در این ویران نیست

(اشرف الدین حسینی: ۱۴۱)

در انتخاب به تخریب مملکت ای کاش      کمک به بی شرف ارباب برزگر نکند

(عارف قزوینی: ۱۹۴)

ارث پدر گفتمت به اونرسیده      جیب شما ملت فقیر بریده

پارک بنا کرده از تو رفته خراسان      هرچه که بوده در آن دهات خریده

(میرزاده عشقی: ۴۴۵)

## ۱-۲. هدف های پژوهش

هدف اولیه این پژوهش بررسی بازتاب اندیشه های ضد فئودالی در شعر دوره ی مشروطه است. هم چنین نشان دادن برخی از اندیشه های ضد استبدادی و نگرش نو شاعران این دوره به شیوه ی پرداخت مباحث ادبی در پیوند با خواسته های طبقه فرو دست جامعه از دیگر اهداف این پژوهش شمرده می شود.

## ۱-۳. پرسش های پژوهش

- علل بازتاب اندیشه ی ضد فئودالی در شعر مشروطه چیست؟

- کدام یک از اندیشه های فئودالی در شعر مشروطه بازتاب بیشتری داشته است؟

- اندیشه های ضد فئودالی در شعر کدام یک از شعرای مورد بحث مشهودتر است؟

## ۴-۱. پیشینه‌ی پژوهش

در خصوص موضوع مورد بحث با توجه به بررسی‌های انجام شده در پایگاه‌های اینترنتی، کتابخانه‌های شهر یزد و سایر کتابخانه‌ها مطالب قابل توجهی به دست نیامد. البته در کتاب «کلیات نسیم شمال» به موضوع استبداد ستیزی و مشکلات مردم به ویژه طبقه‌ی کارگر و بازتاب آن در اشعار اشرف الدین حسینی اشاره شده است. در کتاب تاریخ ادبیات ایران تالیف یان رییکا اشاره‌ی کوتاه و ضمنی به تاثیر استبداد، فتوئالیسم، محافظه‌کاری و سنت در ادبیات فارسی (همبستگی با فتوئالیسم) آمده است.

در ترجمه‌ی کتاب «medieval pelsian coultpoetry» با عنوان نگاهی تازه به شعر درباری فارسی از دکتر محمد جعفر یا حقی در این باب مطالبی آمده است. همچنین دومقاله با عنوان‌های: الف) تملق و چاپلوسی در شعر فارسی از فرامرز شکوری ب) تملق‌گویی و تملق‌پذیری از اکبر اصغری تبریزی یافت شد که در آنها اشاره مختصری به موضوع مورد بحث شده است. در مقدمه کتاب کلیات نسیم شمال آمده است: «نسیم شمال روابط مالک و زارع را که در آن زمان تا قبل از انقلاب از دردهای اجتماعی ما شمرده می‌شد، مکرراً در قالب‌های گوناگون شرح داده است» (اشرف الدین حسینی، ۱۳۸۵: ۱۰۰)

## ۱-۵. روش پژوهش

این پژوهش از نوع بنیادی است که بررسی آن به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه‌ی کتابخانه‌ای انجام می‌شود، بدین ترتیب که پس از مطالعه آثار شاعران یاد شده شواهد و مثال‌هایی استخراج می‌شود و بعد از طبقه‌بندی اطلاعات و تفکیک آنها نگارش فصل‌ها با توضیح و تحلیل اطلاعات آغاز می‌گردد.



## فصل دوم

### شرح احوال سید اشرف الدین حسینی، عارف قزوینی و میرزاده‌ی عشقی

#### ۲-۱. شرح احوال سید اشرف الدین حسینی

سید اشرف الدین حسینی گیلانی شاعری است که در شعر به پای استادان شعر پارسی نمی رسد اما سبکی «تازه و بی بدل» بنیاد نهاد و بیش از همه‌ی آنها در زندگی اش (نه پس از مرگ) ناموری یافت. و از چنان اقبالی بهره ور گردید که شعرهایش دست به دست می‌گشت. اشرف الدین دارنده‌ی نسیم شمال بود و مردم روزنامه اش را چون برگ زر از هم می ربودند. همه دوستدار روزنامه نسیم شمال بودند، باسواد، بیسواد، شهری، روستایی؛ به یکسان دوستدار نسیم شمال بودند و آن را می خریدند.

اشرف الدین سال زادنش را نگفته است. ابوالقاسم حالت و دایره المعارف فارسی، تولدش را به سال ۱۲۸۸ ه. ق نوشته اند؛ سرتیپ پور ۱۲۸۷ ه. ق دانسته است. آریان پور تولدش را به سال ۱۲۸۷ ه. ق نگاشته است آن هم با قید گویا و این درست تر به نظر می رسد. ماخالسکی زادگاهش را رشت پنداشته است. از سخن وی بر می آید که به مثنوی اشرف الدین که با صراحت گفته است:

چندی از بهر تماشا آمدم

بنده در قزوین به دنیا آمدم

(دیوان، ۱۳۷۵: ۶۳)

نیز توجهی نکرده است. دکتر باستانی پاریزی او را پرورش یافته ی گیلان و ابراهیم صفایی رشت را «موطنش» نوشته اند.

مادر او را اشرف الدین نامید:

اشرف الدین کرد مادر نام من

ریخت شهد معرفت در کام من

(همان: ۶۳)

تبار او از پیامبر اسلام نسب می برده اند:

نسبت جسمانییم بامصطفی است

نسبت روحانی من با خداست

(همان: ۶۳)

شش ماهه بود که پدر چشم جهان بین فرو می بندد:

رفت بایم سوی جنات النعیم

من شدم شش ماهه در قزوین یتیم

(همان: ۶۳)

شیخ از پس پدر چنگ به مالش یازید و هستی او را چاپید:

در یتیمی خانه ام را شیخ برد

ملک و مالم را ز روی غضب خورد

زاهدان بس خانه ها را خورده اند

هستی بیچاره ها را برده اند

(همان: ۶۳)

اشرف الدین زیر نظر و مراقبت های دلسوزانه مادر علوم مقدماتی را در قزوین فرا گرفت. در سال

۱۳۰۰ ه. ق به هر طریقی که بود برای تکمیل تحصیلات راه دیاری دیگر را پیش گرفت.

من شدم دیوانه از غوغای فقر

در به در گشتم زاستیلائی فقر

در جوانی با هزاران ابتلا

رفتم از قزوین به سوی کربلا

مدتی در کربلا و در نجف

معتکف بودم به صد وجد و شعف

(همان: ۶۳)

با آنکه به آن خطه عشق می ورزید اما شور میهن پرستی چیز دیگری بود که اشرف الدین را به

آغوش مهربان خود باز خواند هنوز پنج سال از اقامتش در آن خطه نگذشته بود که:

بر سرم زد باز شور ملک جم

آمدم از کربلا سوی عجم

(همان: ۶۳)

به قزوین بازگشت در آن زمان هجده سال تمام داشت. چهار سال در قزوین لب فرو بست و دم در

کشید. با هر گونه سختی و مشقتی دست به پنجه نرم کرد تا آنکه طاقتش از دست برفت. ناگزیر

دوباره بار سفر بر بست اما این بار راهی تبریز شد.

دست خالی مفلس و خونین جگر  
سوی آذربایجان کردم سفر  
(همان: ۶۳)

سال ۱۳۰۹ هـ ق بود که در مدرس تبریز به درس استاد می‌نشیند. دوره ای از علوم متداول زمان را می‌خواند.

پیش استاد خواندم اندر مدرسه  
هیأت و جغرافیا و هندسه  
صرف و نحو و منطق و فقه و کلام  
جمله را یک روزه خواندم والسلام  
(همان: ۶۴)

سپس از آنجا بار می‌بندد، راه را در می‌نوردد، این بار گذارش به گیلان می‌افتد.  
پس از آن جا سوی گیلان آمدم  
مدتی در رشت بنمودم درنگ  
مست از صهبای عرفان آمدم  
از شراب عاشقی مست و ملنگ  
رشتیان برگردنم دارند حق  
گر نویسم می‌شود سیصد ورق  
(همان: ۶۴)

اگر اشرف‌الدین پنج سالی هم در تبریز درنگ کرده باشد، پس هنگام ورود به رشت بیست و هشت سال داشته است، نه تا ده سالی پیش از امضای مشروطیت. همه ی آنان که از مرگ اشرف‌الدین سخن رانده اند، اشتباه کرده اند. به ویژه علامه قزوینی که سال ۱۳۴۲ هـ. ق مصادف با سال ۱۳۰۲ هـ. ش نگاشته اند. تاریخ درگذشت او در شماره ۳۰ فروردین ۱۳۱۳ روزنامه نسیم شمال بنا به نوشته ی محمد اسماعیل وطن پرست چنین آمده است «با کمال تأسف وفات و رحلت ناگهانی آقای سید اشرف‌الدین (نسیم شمال) رادر ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ هـ. ش به خوانندگان جریده به وسیله ی آخرین شماره روزنامه اعلام میداریم....»

## ۲-۱- آثار و تألیفات اشرف‌الدین حسینی

روزنامه نسیم شمال که مجله‌ای هفتگی بود از نام‌آشناترین آثار اشرف‌الدین حسینی است. این روزنامه قطع کوچکی داشت و در چاپخانه عروه الوثقی به چاپ می‌رسید. اشرف‌الدین در این روزنامه مقالاتی به نثر هم می‌نوشت. اشرف‌الدین بیست هزار بیت از روزنامه نسیم شمال را در دو جلد به نام‌های «نسیم شمال» و «باغ بهشت» فراهم آورد.

«گلزار ادبی» اثری دیگر از اوست. اشرف‌الدین در پیشگفتار می‌نگارد: «متأسفانه کتابی که جامع حکایات منظوم و اشعار آسان باشد در دسترس شاگردان مدارس نبوده و اغلب از این تعلیمات بی‌بهره مانده اند. به این ملاحظه ... این مختصر کتاب را ترتیب داده تقدیم معارف نمودم... اغلب این حکایات از قصص «لافونتن» و «فلوریان» که از قطعه نویسان فرانسوی و مشهور جمیع فرنگستان می‌باشند استخراج شده و به فارسی منظوم کردم.»

این شاعر کتاب دیگری هم داشته است به نام «منظومه اشرفی» که مژده پخش آن را در شماره ۱۳ سال ۱۳۳ هـ.ق روزنامه نسیم شمال چنین داده است: «کتاب منظومه اشرفی که تاریخ مقدماتی ابتدایی ایران است، به شکلی شیرین و طرزی نمکین تازگی به طبع رسیده و از برای اطفال کوچک بهترین تاریخی است که منظوم شده، طالبین به مطبعه کلیمیان رجوع نموده و این دختر باکره جمیله وجیهه را خواستگاری نمایند.» (کلیات، اداره چپ، ۱۳۷۵: ۵۵-۹)

## ۲-۱-۲. ویژگی اشعار اشرف الدین حسینی

«در شعر مشروطیت، گویی، به علت گسیختن از سبکهای سنتی، تمام زمینه‌های خفته در ادبیات محلی نواحی مختلف ایران، که بر اثر سیطره‌ی سنت‌های سبکی رسمی، هیچ‌گاه مجال تجلی نمی‌یافتند، راهی برای عرض وجود پیدا کرده و خود را متجلی کرده‌اند. در این قلمرو پر جوش و خروش و لبریز از زندگی و پویایی، اگر بخواهیم مرکزی و مصداقی کامل برای شعر مشروطیت، جستجو کنیم، شعر اشرف الدین بهترین نمونه است، شعری درخور فهم عوام و برخاسته از درون نوحه‌ها و حراره‌های عامیانه، صریح و پوست‌کنده و به دور از هر گونه آرایش و صنعتی و نگران تمام مسائل روز، از تصویر ذهنیت استبدادی علمای مستبد تا اشرف ستمگر تا کوشش توده‌های محروم برای افشای این عقب‌ماندگی‌ها تا نشاط و شور صدور فرمان مشروطه و آزادی و در نتیجه باز شدن مدرسه‌ها و درس خوان شدن کودکان به ویژه دختران تا استبداد مفید و «رحمه الله علیه مشروطه» گفتن او و آنچه در دنبال فرار محمد علی شاه جامعه عصر او در پی داشته است. مجموعه‌ی این حوادث تاریخی، با دقایق و تفصیلات تمام و با زبان طبیعی زمانه در شعر هیچ‌یک از این شاعران، بدان گونه که در شعر سید اشرف الدین انعکاس یافته است، ظاهر نشده است حتی در شعر بهار» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۶۰)

شعر سید اشرف سخت به مذهب متکی است و از ابراز اعتقادات مذهبی برای بیدار کردن ذهن مردم عصر که همگان دارای کشش‌های دینی و مذهبی بوده‌اند، بیشترین بهره را می‌برد. در قیامت از شما قرآن شکایت می‌کند حق مجازات شما را در قیامت می‌کند. آخر این قرآن همه وحی خدای اکبر است آخر این آیات روشن، معجز پیغمبر است این کلام الله امانت از رسول اطهر است پس خدا تشکیل دیوان عدالت می‌کند

در قیامت از شما قرآن شکایت می‌کند

(دیوان، ۱۳۷۵: ۳۴۹)

به همین دلیل از زبان مذهب و قرآنیات و جمله‌های عربی متداول در میان مردم گاه به عنوان ترجیع استفاده می‌کند.